

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۱۳ اپریل ۲۰۱۹

(کوهکن)

اگر چه روزگار من سیاه است نه می گریم نه شیون می کنم من
سحرها، خاک صحرای عرب را به ناخن کنده، مأمن می کنم من
چو شب، درچاه مغرب می رود خور برون سر را ز مدفن می کنم من
به پیش خود، چو بینم کهکشان را خیال از راه آهن می کنم من
بخار از دم موتور، از سینه سازم چو ماشین، رو به رفتن می کنم من
ز گرما، چون تتم بی تاب گردد ز بوران، باد بیزن می کنم من
و گر خواهم ببینم روی صحرا چراغ از برق، روشن می کنم من
سحر، چون خور ز مشرق حمله آرد دوباره فکرم مردن می کنم من
دوباره ناخنان، چون تیشه حاضر برای گور گذن می گنم من...
خلاصه آنچه را در عشق شیرین نکرده کوهکن، من می گنم، من